



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

بررسی تطبیقی نمادهای پایداری در شعر توفیق امین زیّاد و نصرالله مردانی

استاد راهنما:

دکتر علی سلیمی

استاد مشاور:

دکتر جهانگیر امیری

نگارش:

وجیهه سروش

مهرماه ۱۳۹۲

تقديم به تمامی آزاديخواهانی که قلم خود را سلاحی برای دفاع
از وطن خویش قرار دادند.

چکیده

توفیق زیاد و نصرالله مردانی، شاعران متعهد و مبارزی هستند که در زمانه‌ای پر از ظلم و آشوب می‌زیستند. اوضاع آشفته‌ی فلسطین و ایران، این دو شاعر را به سوی ادبیات مقاومت سوق داد و از آن‌ها شاعرانی مبارز ساخت که هنر خود را وسیله‌ای برای مبارزه و پاسداری از سرزمینشان قرار دادند.

بررسی تطبیقی دیوان آن دو نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی و سیاسی موجب گردید که در سروده‌های آن‌ها همانندی‌های زیادی دیده شود. معضلاتی همچون جنگ، فقر، جهل، کم رنگ شدن ارزش‌های معنوی و رواج فساد در جامعه، روح بلند آن‌ها را به خشم و درد آورد و آن‌ها را بر آن داشت تا قلم خود را در خدمت بیداری و هوشیاری مردم و احیای ارزش‌های اخلاقی، برای نجات جامعه‌ی خود قرار دهند. قلب هر دو شاعر لبریز از عشق به وطن بود. آن‌ها در سروده‌های خود بر استعمار بیگانگان و زیاده‌طلبی دشمنان اشغالگر شوریدند و با دمیدن روح اعتراض در کالبد کلمات، مردم را به همبستگی و مبارزه فراخواندند.

این دو شاعر به استفاده از نام اساطیر و قهرمانان گذشته‌ی خود علاقه‌ی فراوان داشتند. توفیق زیاد پس از شکست ۱۹۶۷ م اعراب در برابر اسرائیل و مردانی در دوران حکومت پهلوی و در جریان جنگ تحمیلی به طور گسترده به ادب مقاومتی روی آوردند که این اساطیر و قهرمانان به شعر این دو روح حماسی بخشید. عشق به وطن و دشمن ستیزی و... از ویژگی‌های مهم این دو شاعر است که آن‌ها را در میان شاعران هم‌عصرشان متمایز و برجسته ساخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل اصلی بروز عناصر مقاومت در شعر این دو شاعر هستند. سرزمین، جنگ‌زدگان و آوارگان، قیام علیه متجاوز و اشغالگر، انگیزه‌های دینی و قومی، شهادت، دشمن، آرمان‌گرایی و اعتراض به نادیده گرفتن ارزش‌های جریان مقاومت، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار این دو شاعر است، خاستگاه بیشتر نمادهای مردانی دین و مذهب است، اما اعتقادات مذهبی در دیوان توفیق بسیار کم به چشم می‌خورد در حقیقت شعر مردانی رنگی قدسی و آسمانی دارد، اما بر شعر توفیق زیاد جنبه‌های زمینی غلبه دارد. توفیق نسبت به دیگر ملت‌های ستمدیده، دیدی جهانی دارد؛ اما مردانی بیشتر اشعارش در مورد کشور خودش است.

کلید واژگان: توفیق زیاد، نصرالله مردانی، ادب پایداری، اساطیر دینی و ملی، ادبیات تطبیقی.

فصل اول: کلیات

تعریف موضوع	۲
اهداف پایان‌نامه	۳
سؤالات تحقیق	۳
پیشینه‌ی موضوع	۳
روش تحقیق	۳
اهمیت و ارزش کاربردی نتایج پایان‌نامه	۴

فصل دوم: زندگی، آثار و شعر توفیق زیّاد و نصرالله مردانی

۱- زندگی‌نامه و معرفی توفیق امین زیّاد	۶
۱-۱- آثار توفیق زیّاد	۷
۲-۱- شعر توفیق زیّاد	۷
۳-۱- زیّاد و گرایش‌های رمانتیک و سوسیالیستی در شعرش	۹
۴-۱- گرایش‌های انسانی توفیق در همدردی با هم‌حزبی‌هایش	۹
۵-۱- بهره‌گیری از ترانه‌ها و اشعار عامیانه در شعرش	۱۱
۲- زندگی‌نامه نصرالله مردانی	۱۳
۱-۲- آثار مردانی	۱۴
۲-۲- شعر مردانی	۱۴
۲-۲- تأثیرات حضور در جبهه‌ها در شعرش	۱۴
۲-۲- تاریخ ادبیات ایران در شعرش	۱۵
۳-۲- عناصر سازنده‌ی شعر مردانی	۱۶
۴-۲- مضامین شعری مردانی	۱۷
۵-۲- بسامد واژه‌ی خون در شعر مردانی	۱۸

فصل سوم: شعر پایداری و نماد

مقدمه	۲۰
۱- ادب پایداری	۲۱
۱-۱- تعریف ادب پایداری	۲۱
۲-۱- هدف ادبیات پایداری و علل شکوفایی آن	۲۲
۳-۱- تاریخچه‌ی ادبیات پایداری	۲۲
۲- برخی زمینه‌های بروز ادبیات مقاومت در جهان معاصر عرب و ایران	۲۳
۱-۲- زمینه‌های بروز ادبیات مقاومت در ایران	۲۴

۲۴.....	۲-۲-زمینه‌های بروز ادبیات مقاومت در جهان عرب.....
۲۵.....	۳-۲-مراحل مهم شعر مقاومت جهان عرب در دوره‌ی معاصر.....
۲۵.....	۳-ادبیات پایداری فلسطین.....
۲۶.....	۳-۱-ویژگی‌های کلی شعر مقاومت فلسطین.....
۲۷.....	۳-۲-شعر پایداری فلسطین در یک نگاه کلی.....
۲۸.....	۴-ادبیات انقلاب و دفاع مقدس ایران.....
۲۹.....	۴-۱-مراحل مهم شعر مقاومت ایران در دوره معاصر.....
۳۰.....	۴-۲-عمده‌ترین مضامین و دوره‌های شعر انقلاب و دفاع مقدس ایران.....
۳۰.....	۴-۲-۱-دوره‌ی اول، جوانه‌های شعر جنگ.....
۳۱.....	۴-۲-۲-دوره‌ی دوم، دوره‌ی تجرد و درونی شدن شعر جنگ.....
۳۱.....	۴-۲-۳-دوره‌ی سوم، شعر جنگ بعد از خاتمه جنگ.....
۳۲.....	۵-نماد.....
۳۴.....	۵-۱-خاستگاه نماد.....
۳۵.....	۵-۲-عمده نمادهای شعر مقاومت ایران و عرب در دوره‌ی معاصر.....
۳۶.....	۵-۳-نمادگرایی در سروده‌های مردانی.....
۳۷.....	۵-۴-نمادگرایی در سروده‌های توفیق زیّاد.....
۳۷.....	۶-اسطوره.....
۳۹.....	۶-۱-اسطوره‌های غنائی، قهرمانی و حماسی.....
۴۰.....	۶-۲-ارتباط اسطوره و نماد.....

فصل چهارم: بررسی اشعار و نمادهای به‌کاررفته در اشعار نصرالله مردانی و توفیق زیّاد

۴۲.....	۱-تجلی عشق به وطن در شعر مردانی و توفیق زیّاد.....
۴۹.....	۲-وصف مبارزان و شهیدان در شعر دو شاعر.....
۶۰.....	۳-امید به آینده در شعر دو شاعر.....
۶۶.....	۴-جایگاه رهبر و پیشوا در شعر دو شاعر.....
۷۰.....	۵-ترسیم چهره‌ی دشمنان در شعر آن دو.....
۷۴.....	۶-عشق به دیگر ملت‌ها در شعر دو شاعر.....
۸۰.....	نتیجه پایان‌نامه.....
۸۳.....	منابع و مآخذ پایان‌نامه.....

پیش‌گفتار

ادبیات مقاومت چهره‌های انسانی و جهانی دارد و تلاش‌های یک نسل مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خاسته است، برای همگان در بیان فخیم شعری و ادبی ترسیم می‌کند. حوادثی مانند اشغال فلسطین و حمله‌ی عراق به ایران، باعث آفرینش آثاری یگانه در حوزه‌ی ادبیات مقاومت ملل شد. شاعران در بیداری مردم و دعوت آنان، وظیفه‌ای سترگ دارند که با تعهد و رسالت‌ورزی خود، پیش‌تاز مبارزه نام‌گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان در ادبیات پایداری ایران و فلسطین به نصرالله مردانی و توفیق زیاد اشاره کرد که میراثی ارزشمند در عرصه‌ی شعر مقاومت دو سرزمین است.

ادبیات معاصر عرب، پس از تشکیل یک دولت کاملاً یهودی، در دهه‌ی چهارم قرن بیستم و در دومین سرزمین مقدس مسلمانان و قبله‌ی اول آنان، شاهد تحولات شگرفی در عرصه‌ی معنایی خود شد. این تحولات که عمدتاً با نام ادبیات مقاومت از آن یاد می‌شود، با هدف مبارزه و مقاومت تا بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی ایجاد شد و جریان پرتلاطم خود را با حضور شاعران جوان و پرشور ادبیات به پیش می‌راند. شاید در این دوران، نتوان شاعری را جست که در این زمینه شعری نسروده باشد یا کلامی بر زبان جاری ن ساخته باشد. توفیق زیاد یکی از شاعران پرشور این عرصه و از دیار فلسطین اشغالی است که اشعار فراوانی در زمینه‌ی مقاومت و دفاع از سرزمین اشغالی‌اش دارد.

در ایران نیز پس از شکل‌گیری انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، نوعی از ادبیات شکل گرفت که تا پیش از آن گستردگی چندانی نداشت. این ادبیات، ادبیاتی نوپا بود که شاعران زیادی آن را دست‌مایه‌ی شعر خویش قرار دادند و به سرودن اشعاری در زمینه‌ی دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و وطنشان سرودند که از آن میان می‌توان به نصرالله مردانی، شاعر دفاع مقدس ایران اشاره کرد.

پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی همسانی‌ها و تفاوت‌های شعر مقاومت دو سرزمین با اتکا به «دیوان» توفیق زیاد و اشعار مردانی در کتاب‌های «خون‌نامه خاک» و «آتش نی» بپردازد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل اصلی بروز عناصر مقاومت در شعر این دو شاعر هستند. سرزمین، جنگ‌زدگان و آوارگان، قیام علیه متجاوز و اشغالگر، انگیزه‌های دینی و قومی، شهادت، دشمن، آرمان‌گرایی و اعتراض به نادیده گرفتن ارزش‌های جریان مقاومت، از مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار این دو شاعر است.

فصل اول

کلیات تحقیق

- تعریف موضوع

آثار منظوم و منثور هر ملتی که به دفاع از وطن در برابر متجاوزان برمی‌خیزند، در ادبیات آن ملت، ادبیات پایداری نام دارد. شاعران در این ادبیات، از عشق به سرزمین خویش، مقاومت و مبارزه‌ی مردم، امید به آینده‌ی روشن، رهایی از چنگال ظلم و ستم اشغالگران و... سخن می‌گویند.

توفیق زیاده^۱ و نصرالله مردانی^۲ (متخلص به ناصر) شاعرانی دردآشنا هستند که در ادبیات عربی و فارسی، جایگاه مشابهی دارند. ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگارشان همانند بوده و ملت هر دو درگیر جنگ با اشغالگران بوده است. مردانی از جمله شاعران برجسته‌ی انقلاب اسلامی است که اشعار پایداری او با رنگ و بوی عرفانی آمیخته گشته است. مهم‌ترین موضوعاتی که در آثار نصرالله مردانی به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: وطن، انقلاب و امام، شهید و شهادت، خون، رهبر، باورهای دینی و عرفان، جنگ و مبارزه و... او با خلق تصاویری سرشار از عاطفه‌ی انسانی و ساده و دل‌نشین و با الهام از میراث گذشته و اسطوره‌های فارسی، آینه‌ای ساخت که همه‌ی آرزوهای شاعر و چشم‌انداز آینده‌اش برای وطن با مدد رهبری و نیروهای غیبی به وضوح نمایان است. توفیق زیاده نیز با قلبی دردمند که طعم تلخ فقر، زندان و آوارگی را چشیده، تصاویری عاطفی و دردمند در شعرش ساخته است. او یکی از شاعران معاصر فلسطین است که در اشعار خود نماینده‌ی تمام ملت‌های مظلوم و ستمدیده است. او شاعری است متعهد که نه تنها به فلسطین عشق می‌ورزد، بلکه ظلم نسبت به مردم دیگر نقاط جهان را نیز بر نمی‌تابد. در اشعار مردانی نیز تجلی عشق به دیگر ملت‌های تحت ستم آشکار است با این تفاوت که او نسبت به توفیق زیاده اشعار کمتری در این زمینه دارد. این دو شاعر به ادبیات پایداری توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در شعر آن‌ها مضامین مشترکی همچون عشق به وطن، مقاومت و پایداری، ظلم‌ستیزی، آزادی و... دیده می‌شود. این دو از آرایه‌ی نماد برای بیان اهداف خود در این زمینه بهره برده‌اند که در این پایان‌نامه به آن پرداخته شده است.

در این پایان‌نامه خلاقیت‌های دو شاعر در بیان موضوعات اصلی ادبیات مقاومت یعنی جنگ، مقاومت و صلح در شعر این دو شاعر و دیدگاه آنان درباره مقاومت و پایداری، هویت ملی و وطن‌پرستی، مبارزه با ظلم دیرپا و ایجاد امید و آزادی، بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با روش توصیفی-تطبیقی بررسی خواهد شد.

^۱ تمامی اشعار توفیق زیاده در این نوشتار از دیوان او گرفته شده است و برای اختصار در ذکر منبع درون‌متنی اشعار به ذکر شماره صفحه بسنده شده است.
^۲ در منبع درون‌متنی اشعاری که از کتاب "خون‌نامه خاک" نصرالله مردانی گرفته شده است نیز تنها شماره صفحه ذکر شده است.

- اهداف پایان نامه

- ۱- اثبات مضامین مشترک در اشعار توفیق زیاد و نصرالله مردانی.
- ۲- معرفی هرچه بیشتر افکار و اندیشه‌های انقلابی این دو شاعر به خوانندگان.

- سؤالات تحقیق

- ۱- دو شاعر از چه نمادهایی در شعر پایداری استفاده کرده‌اند؟
- ۲- تشابه و تفاوت کاربرد نمادها در شعر آن دو چیست؟
- ۳- مهم‌ترین مضامین شعری این دو چیست؟

- پیشینه موضوع

در مورد شعر نصرالله مردانی چند پایان‌نامه نوشته شده است با این عناوین: «تحلیل سبک‌شناختی غزل انقلاب با تکیه بر غزلیات نصرالله مردانی و دکتر قیصر امین پور» نوشته قاسم نامدار و همچنین پایان‌نامه‌ی «تحلیل و بررسی صور خیال در شعر قیصر امین پور و نصرالله مردانی» نوشته‌ی مرضیه احمدیان و پایان‌نامه‌ی «بررسی اشعار تغزلی هفت شاعر معاصر (فروغ فرخزاد، فریدون توللی، هوشنگ ابتهاج، محمدحسین شهریار، مهدی حمیدی، رهی معیری، نصرالله مردانی)» نوشته‌ی علی ابوالحسنی و پایان‌نامه‌ی «سبک‌شناسی شعر جنگ با تکیه بر آثار علی معلم، حمید سبزواری، نصرالله مردانی و سپیده کاشانی» نوشته‌ی حبیب‌الله مرادی ده کبودی؛ و همچنین مقالاتی نیز در مورد مردانی نوشته شده است از جمله: «سیری در خون نامه‌ی خاک» و «به باغ سخن جویی از مولیان» و «سوگنامه‌ی مردانگی» نوشته حسین رزمجو و همچنین «صور خیال خونین در شعر نصرالله مردانی» نوشته سهیلا صلاحی مقدم.

در مورد توفیق امین زیاد نیز پایان‌نامه‌ای با عنوان «عناصر فرهنگ عامیانه در شعر مقاومت فلسطین» (احمد دحبور، توفیق زیاد، سمیح قاسم) نوشته‌ی رقیه رکنی و همچنین مقاله‌ای با عنوان «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد» نوشته‌ی سید محمد رضی مصطفوی نیا و دیگران کار شده است.

- روش تحقیق

در این پایان‌نامه، علاوه بر استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، بر استنباط‌های شخصی از دیوان توفیق زیاد و کتاب‌های خون‌نامه‌ی خاک و آتش نی نصرالله مردانی، با کمک منابع اندکی که در دسترس می‌باشد، تکیه شده است. در حقیقت، روش تحقیق در این پایان‌نامه، تحلیل محتوا- توصیفی و تطبیقی است.

- اهمیت و ارزش کاربرد نتایج پایان نامه

- ۱- بررسی تطبیقی اشعار این دو شاعر در زبان فارسی و عربی.
- ۲- معرفی بیشتر این دو شاعر به خوانندگان.
- ۳- گسترش ادبیات تطبیقی.

فصل دوم

زندگی، آثار و شعر دو شاعر

۱- زندگینامه و معرفی توفیق امین زیاد:

توفیق امین زیاد، شاعر و نویسنده‌ی فلسطینی، در سال ۱۹۲۹ م در شهر ناصره‌ی فلسطین به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و بدین ترتیب آموخت که باید بر روی پای خود بایستد. توفیق در پی علاقه‌ای که به پزشکی داشت به شام سفر نمود اما پس از سه سال تحصیل به دلیل شرایط خاص سیاسی و اقتصادی، ادامه‌ی تحصیل را رها کرد و به فعالیت‌های سیاسی پرداخت. او در زمینه‌ی سیاست بسیار فعال بود و بارها زندان را تجربه کرد. قصایدی چون «من وراء القضبان»، «سمر في السجن» تصویرگر آلام وی در زندان است. «زندان الراهه» عبارتی است که در ذیل این قصاید حک شده است. علاوه بر زندان، جان او چندین بار مورد سوء قصد و ترور قرار گرفت که وحشتناک‌ترین آن در سال ۱۹۷۷ م بود که به طرز معجزه‌آسایی از آن جان سالم به در برد و چندین بار نیز خانه‌ی او مورد تعرض قرار گرفت. پس از آن در راستای احقاق حقوق ملت خود به میدان مبارزه‌ای سخت پا نهاد. وی عضو حزب اسرائیلی «راکاح»^۱ بود و سپس به عضویت حزب «کنیست»^۲ درآمد و چندین بار به نمایندگی از حزب راکاح، از سال ۱۹۷۵ م تا زمان وفاتش، به ریاست شهرداری شهر ناصره برگزیده شد. تا اینکه در سال ۱۹۹۴ م در اثر یک حادثه مشکوک رانندگی جان باخت. (الموسوعة العربیة، ۲۰۰۴، ج ۱۰: ۵ و ۴۶۴)

توفیق زیاد علاوه بر ترجمه از زبان روسی و کتاب‌های شاعر مشهور ترک، ناظم حکمت^۳، تعدادی مجموعه شعر نیز دارد. بعضی از قصائد او به سرودهای مقاومت فلسطین و به جزئی از میراث زنده‌ی آن تبدیل شده است. (الجبوسی، ۲۰۰۱: ۲۶۵/۱) بسیاری از اشعار او به زبان‌های مختلف ترجمه شده و تعدادی از پژوهشگران عرب و غیرعرب به بررسی و تحلیل آثار او پرداخته‌اند. از میان مجموعه شعرهایی که منتشر نموده است؛ مجموعه «أشد علي أیدیکم» (۱۹۶۶ م) تاریخ مبارزات فلسطینی ضد اسرائیلی را به خوبی به تصویر می‌کشد این مجموعه شامل قصایدی است که به مسائلی چون قهرمانی و مقاومت می‌پردازد. برخی

^۱ راکاح: حزب چپی یهودی- عربی است که ریشه‌های آن به حزب کمونیستی فلسطین که در دهه‌ی سی قرن بیستم تأسیس شد، برمی‌گردد. (<http://ar.wikipedia.org/wiki>) (منبع معتبر نیست)

^۲ کنیست: پارلمان اسرائیل است که کار قانون‌گذاری و حفاظت از دولت اسرائیل را بر عهده دارد و متشکل از ۱۲۰ نماینده است که هر کدام نماینده یک حزب است. (همان)

^۳ ناظم حکمت در سال ۱۹۰۲ م در شهر سالونیکا یونان که در آن زمان جزو امپراتوری عثمانی بود، متولد شد، از چهار سالگی به سرودن شعر پرداخت. از برجستگی‌های شعر او، سادگی و روانی آن است. در جهان شعر معاصر، شاعری بود که روزگار زیستنش را صرف رسیدن به هدفش می‌کند، او می‌نویسد برای آزادی و استقلال سرزمینش. سال‌ها در زندان‌های ترکیه زندانی بود و بارها به روسیه تبعید شد، سرانجام در سال ۱۹۶۳ م در اثر سگته در مسکو جان سپرد. آثار او به بیش از ۳۰ زبان ترجمه و چاپ شد، لیکن تا زمانی که زنده بود نگذاشتند در وطن به زبان خودش منتشر شود؛ از جمله آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد: ابر دلباخته، برادر زندگی زیباست، خون سخن نمی‌گوید، طغیان زنان، از یاد رفته، فرهاد و شیرین و... (www.wikipedia.org)

اشعار این مجموعه تبدیل به ترانه شده است و بخشی از میراث ترانه‌های فلسطینی را تشکیل داده است.
(منتدیات الهندسه الصناعیه، www.ienajah.com)

۱-۱- آثار توفیق زیّاد

آثار شعری وی بدین قرار است:

- أشد علي أياديكم (۱۹۶۶ م)
- إدفنوا أموتاكم و انهضوا (۱۹۶۹ م)
- أغنيات الثورة و الغضب (۱۹۶۹ م)
- أم درمان المنجل و السيف و النغم (۱۹۷۰ م)
- شيوعيون (۱۹۷۰ م)
- كلمات مقاتله (۱۹۷۰ م)
- عمان في أيلول (۱۹۷۱ م)
- تهليلة الموت و الشهادة (۱۹۷۲ م)
- سجناء الحرية و قصائد أخرى ممنوعة (۱۹۷۳ م)
- الأعمال الشعرية الكاملة (۱۹۷۱ م) که شامل سه مجموعه شعر می شود.

آثار پژوهشی توفیق زیّاد:

- عن الأدب الشعبي الفلسطيني (۱۹۷۴ م)
 - نصراري في الساحة الحمراء (۱۹۷۳ م) (خاطرات روزانه)
 - صور من الأدب الشعبي الفلسطيني (۱۹۷۴ م)
 - حال الدنيا (۱۹۷۵ م) (حکایات فولکلوری) (صدوق، ۲۰۰۰: ۶-۱۳۵)
- زیّاد در کنار شعر که مدت‌ها قبل از وفاتش دیگر شعری نمی‌سرود، به نوشتن مقاله، قصه و پژوهش در زمینه ادبیات عامیانه نیز پرداخته است. (سقیق، ۱۹۹۸: ۵۹) نمونه آن «حال الدنيا»، مجموعه‌ای است شامل سیزده قصه که زیاد خود این قصه‌ها را تألیف نکرده، بلکه آن‌ها را جمع‌آوری و بازسازی کرده است.
(حسن، ۲۰۰۹ م، www.nizwa.com)

۱-۲- شعر توفیق زیّاد

توفیق زیّاد یکی از ارکان سه‌گانه‌ی شعر مقاومت (توفیق زیّاد- محمود درویش- سمیح قاسم) است که شعر او از حیث تعابیر لغوی و ترکیب‌های لفظی شعری مردمی به شمار می‌رود. به کارگیری اشکال گوناگون

میراث، چون ضرب‌المثل‌ها، حکایت‌های عامیانه، ترانه‌ها و دیگر عناصر فرهنگ مردمی و دوری از اوزان پیچیده و گرایش به ترکیبات ساده، روشن و تأثیرگذار، از ویژگی‌های شعری اوست. (الیوسف، بی‌تا، www.zayyad.com)

برخی توانمندی و نشانه‌های موجود در شعر درویش؛ در اشعار زیاد، به ویژه در دیوان «أشد علی ایادیکم» قابل مشاهده است به احتمال فراوان توفیق در این زمینه، متأثر از درویش بوده است اما هم و غم فکری و حیاتی توفیق زیاد مانع از اهتمام او به ایجاد یک سبک شعری خاص وی در سرزمین اشغالی شد. (علی مصطفی، ۱۹۷۸: ۲۹۸)

توفیق زیاد در دهه‌ی پنجاه کمتر شعر می‌گفت و شاعری کم‌گو به شمار می‌رفت اما بعدها با افزایش جنایت‌های رژیم اشغالگر اسرائیل علیه مردم فلسطین، حس شاعری او نیز به جوش آمد و در اشعار خود، مصائب این ملت و مبارزات او و مواجهه‌ی دائم با ظلم و ستم و بی‌عدالتی را به تصویر کشید. ناقدان و پژوهشگران او را در زمره‌ی نسل اول شاعران مقاومت به همراه «حنّا أبو حنّا» (متولد ۱۹۲۸ م) و «سالم جبران^۱» به حساب می‌آورند. او در کنار شعر، مقالات، پژوهش‌ها و داستان‌هایی نیز نوشته و به ادب قومی و ملی عنایت خاصی دارد. شعر او در نوع خود، جدید و حماسی و دارای عاطفه‌ای قوی و اسلوب و سبکی منحصر به فرد است، در راستای مبارزات ملت فلسطین حرکت می‌کند و در مواجهه با اشغالگری‌های دشمن صهیونیستی، محکم و استوار و ثابت‌قدم است و بی‌هیچ واهمه‌ای آن‌ها را به مبارزه می‌طلبد. (صدوق، ۲۰۰۰: ۱۳۵) به عنوان مثال، در شعر زیر، شاعر در مقابل دشمنان صهیونیست می‌ایستد و آن‌ها را به مبارزه فرامی‌خواند و از میراث اجداد خود و خاطرات آن‌ها دفاع می‌کند. او با استفاده از عناصری از طبیعت، این‌گونه به بیان این موضوع می‌پردازد:

«حَمَلْتُ دَمِي عَلَي كَفِّي
وَمَا نَكَّسْتُ أَعْلَامِي
وَصُنْتُ الْعُشْبَ فَوْقَ قُبُورِ أَسْلَافِي»

(ص ۱۲۴)

ترجمه: «خونم را بر دستانم حمل کردم و پرچم‌هایم را به زیر نکشیدم؛ و از گل و گیاهی که بر روی قبر اجدادم بود، مواظبت نمودم.»

^۱ «حنّا أبو حنّا» در سال ۱۹۲۸ م در روستای الرینة (اطراف ناصرة) متولد شد. او در شعرش غم‌ها، دردها و آرزوهای قومش را بیان کرده است. از جمله مهم‌ترین آثارش می‌توان به «نداء الجرح» (۱۹۷۰ م) اشاره کرد. (محمد حسن شراب، ۲۰۰۶: ۱۱۷)

^۲ «سالم یوسف جبران» در سال ۱۹۴۱ م در شهر الجلیل فلسطین متولد شد. در مجلات جدید، الإتحاد و الغد به کار روزنامه‌نگاری پرداخت و سپس به عنوان رئیس روزنامه‌ی الإتحاد الیومیة تعیین شد و سپس مجله‌ی الثقافة را تأسیس کرد و سردبیر آن شد. دیوان‌های شعری او شامل: کلمات من القلب (۱۹۷۱ م) - قصائد لیست محددة الإقامة (۱۹۷۲ م) - رفاق الشمس (۱۹۷۵ م) می‌باشد. (همان: ۱۶۳)

اینکه شاعر می‌گوید: «پرچم‌هایم را به زیر نکشیدم»، بیانگر این است که او تسلیم شدن و به زیر سلطه‌ی دشمن رفتن را نفی می‌کند و دشمنان را به مبارزه می‌طلبد. کلمه‌ی «العُشب» در اینجا نماد طهارت و پاکی و استمرار حیات است و نشان می‌دهد که شاعر مصمم به دفاع از میراث گذشتگان خود است.

۱-۳- زیاد و گرایش‌های رمانتیکی و سوسیالیستی در شعرش

با بررسی تجربه شعری توفیق زیاد و زندگی ادبی وی به این نتیجه می‌رسیم که او در ابتدا تا حدی از گرایش‌های رمانتیک متأثر بوده است زیرا او به سوی محبت و خیر و نیکی و تسامح و عدالت و از بین بردن تعصبات و اختلافات و نفی زیر سلطه بودن که از پایه‌های گرایش رمانتیک هستند، دعوت می‌کند؛ اما او رفته‌رفته به گرایش‌های سوسیالیستی روی می‌آورد و هنگامی که در سال ۱۹۴۸ م به حزب کمونیسم پیوست، این گرایش‌های سوسیالیستی را خط مشی خود قرارداد. او در این راه، دنباله‌رو استادش، «رشیدی شاهین»^۱ بود که قبلاً به این گرایش فکری-حزبی ملحق شده بود. این وابستگی او را به سمت گرایش‌های واقع‌گرایانه در ادبیات و در نهایت نیز به سمت گرایش‌های انسانی که در آن تعصبات نژادی راهی نداشت، کشانید. او اعتقاد داشت که عموم ملت‌ها، قادر به تغییر واقعیت‌های تلخ موجود در جامعه‌ی خود هستند؛ به همین خاطر می‌بینیم که به طرفداری از تلاش و کوشش مردم در عراق و مصر و الجزایر و کوبا و روسیه می‌پردازد. او «یوسف سلمان»^۲ را در عراق می‌ستاید؛ چنانکه به تمجید «عثمان» در سودان و «لومومبا»^۳ در آفریقا و «کاسترو» در کوبا می‌پردازد و در این راه، شیوه‌ای فراقومی را در پیش می‌گیرد و به بینشی جهانی در مبارزه با هر نوع ظلم و ستم و دفاع از تمامی مظلومان جهان دست می‌یابد.

غالی شکری در کتاب «ادب مقاومت» به رومانتیسم سوسیالیستی در اشعار توفیق زیاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «این همان سخن‌سرایی است که برخی از مرحله‌های پویش هنری‌اش میان شیون مویه‌گرایانه بر گذشته و مرثیه‌سرایی نهان بر زمان کنونی، تا درخشش امید نهفته در نوسان است و او خود را از پشت کلمات خم می‌کند و به گونه‌ای از گونه‌ها بیم می‌دهد.» (صدوق، ۲۰۰۰: ۱۳۵)

1

^۲ یوسف سلمان یوسف، در سال ۱۹۰۱ م در عراق متولد شد؛ مؤسس و دبیر کل «حزب کمونیست عراق» در سال ۱۹۳۴ م بود. حکومت در سال ۱۹۳۵ م اعضای آن را دستگیر کرد که از آن پس به صورت مخفیانه به فعالیت پرداخت. او از نخستین کمونیست‌های عراق بود که در سال ۱۹۴۹ م اعدام شد.

www.wikipedia.org ۱۴۳۴/۱۱/۱۹

^۳ «پاتریس لومومبا» در سال ۱۹۲۵ م در کنگو متولد شد. او اولین رئیس‌وزرای منتخب در تاریخ کنگو در اثنای اشغال بلژیک بود و جنبش ملی را در سال ۱۹۵۸ م تأسیس کرد که بلژیکی‌ها او را در سال ۱۹۶۱ م به قتل رساندند. (همان)

۱-۴- گرایش‌های انسانی توفیق در همدردی با هم‌حزبی‌هایش:

توفیق در یکی از قصایدش به نام «عثمان» به توصیف یکی از دوستان کمونیست خود که به صورت مخفیانه از کشورش سودان، فرار کرده و به مسکو رفته، پرداخته است و این‌گونه می‌سراید:

«إِنِّي أَدْكُرُ عُثْمَانَ صَدِيقِي
مَرَّةً، عِنْدَ رَصِيفِ النَّهْرِ فِي مُسْكُو
تَنْزُهِنَا سَوِيَّةٍ
وَوَقَفْنَا فَجَاءَهُ عِنْدَ سِيَاجِ
صَدَمَتِنَا طِفْلَةٌ، كَالْمَرْمَرِ الْمَصْفُورِ
تَصْطَاذُ الْفَرَّاشَةَ
فَإِذَا «عُثْمَانٌ» يَبْكِي، أَوْ يَكَادُ..
إِنِّي أَدْكُرُ مِمَّا قَالَهُ آخِرَ جُمْلَةٍ
قَالَ لِي: اِسْمَعْ!!
إِنِّي أُعْطِي حَيَاتِي كُلَّهَا
حَتَّى أُرِي السُّودَانَ
يَبْتِي مِنْ جَدِيدٍ..
صَوْتُهُ كَانَ..
عَمِيقًا،
وَجَرِيحًا
وَسَعِيدًا!!»

(صص ۳۵۵-۳۵۴)

ترجمه: «دوستم عثمان را به یاد می‌آورم، یک بار که در کنار اسکله‌ی رودی در مسکو، با هم گردش می‌کردیم؛ ناگهان در کنار حصار باغی ایستادیم، دختر بچه‌ای سفید چون مرمر براق در حال گرفتن پروانه‌ای با ما برخورد کرد. ناگهان عثمان به گریه افتاد یا نزدیک بود به گریه بیفتد. آخرین جمله‌ی او را به یاد می‌آورم که به من گفت: گوش کن!! من حاضرم تمامی زندگیم را بدهم تا اینکه سودان را ببینم که از نو ساخته شده است. صدایش عمیق بود و زخمی و خوشبخت!!»

تصویری که توفیق ارائه می‌دهد، بیانگر گرایش‌های انسانی اوست؛ عقایدی که از هرگونه کینه و دشمنی نسبت به دیگران تهی است. شاعر به توصیف انسانی می‌پردازد که به محض دیدن دختر بچه‌ای که در حال گرفتن پروانه است، به یاد وطن خویش می‌افتد. این که این کودک، کودکی‌اش را در رفاه و آسایش و به دور از فقر و محرومیت و ترس سپری می‌کند و با آسایش خاطر به بازی‌های کودکانه می‌پردازد، در درون دوستش، حزن و اندوهی عمیق نسبت به کودکان سرزمینش (سودان) به پا می‌کند؛ سرزمینی که کودکانش

طعم سعادت و خوشبختی و امنیت را نچشیده‌اند؛ به همین خاطر او جمله‌ی آخر را به صورت پراکنده، بین دو عاطفه‌ی متضاد که دو گرایش روح انسانی را تشکیل می‌دهد، در دو حالت اندوه و خوشحالی بیان می‌کند؛ از صدای دوستش به «عمیق» تعبیر می‌کند که بیانگر صدق و درستی احساس اوست و ابراز می‌دارد که این احساس او ساختگی و تصنعی نیست و صدای «جریح» او نیز نشانه‌ی اندوهش برای وطن و کودکانی است که معنای انسانیت را ندیده‌اند و منظور از «سعید» انسانیت و مشارکت او با این کودک در زندگی و آرزوی آینده‌ای همراه با سعادت و خوشبختی برای اوست.

۱-۵- بهره‌گیری از ترانه‌ها و اشعار عامیانه در شعرش

پدیده‌ی استفاده از ترانه‌ها و عبارات عامیانه، تقریباً در شعر همه‌ی شاعران فلسطین قابل رویت است؛ اما بدون تردید، آنکه بیش از دیگران بدان پافشاری دارد «توفیق زیّاد» است؛ چرا که می‌توان گفت دیوان «أغنیات الثورة والغضب» در واقع ساختار جدیدی از برخی مرده‌ریگ‌های شعر عامیانه‌ی فلسطین است. (علی مصطفی، ۱۹۷۸: ۲۹۴) گرچه او از شاعرانی است که به استفاده از شعر محلی بیش از دیگران اهتمام می‌ورزد، اما بهره‌مندی هنری او از آن ناچیز است، زیرا او به استفاده‌ی ساختاری از ترانه محدود شده و بیشتر به ترجمه‌ی آن، از زبان محلی به زبان رسمی عنایت دارد.

به نظر «خالد سلیمان»، ویژگی عام و مشترک شعر مقاومت «سادگی در بیان، وضوح تصاویر و شبیه‌سازی‌هاست. علت این امر آن است که مخاطبین شعر مقاومت را، در درجه‌ی نخست توده‌ی اعراب ساکن سرزمین اشغالی تشکیل می‌دهند». (سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۳۰) سمیح قاسم در تفسیر به‌کارگیری اسطوره‌ها و حکایات و ساختار شعرهای فولکلوری و عامیانه می‌گوید: «... هدف ما پیوند خوردن به دل‌های مردم است، چه با استفاده از سبک‌های جدید و چه با به‌کارگیری ابداعات شعری مردم. توفیق زیّاد در این زمینه پیشاهنگ ماست چرا که در جهت احیای میراث مردمی، حماسه‌ها و قصه‌های قهرمانی مردم را به نظم کشیده و ساختار محلی را که در معرض نابودی است، بازسازی می‌کند. ما در این زمینه، ادامه دهنده‌ی راه توفیق زیّاد هستیم.» (زیّاد، ۱۹۷۰: ۶)

جمع‌آوری و ثبت و ضبط ادبیات عامیانه و دیگر عناصر فولکلوریک در حقیقت سلاحی برای مبارزه به شمار می‌رود. ترانه‌های عامیانه و آوازه‌ها، نماینده‌ی روح هنری یک ملت است که همه‌ی دردها، شادی‌ها، ناکامی‌ها و رنج‌های آنان را منعکس می‌سازد. منظور از عامیانه بودن ترانه‌ها، انتقال شفاهی و سینه‌به‌سینه‌ی آن است. این ترانه‌ها بدون آنکه در کتاب‌ها ثبت شوند، به حیات خود ادامه می‌دهند. موضوع این ترانه‌ها مربوط به زندگی، کار و اعتقادات عامه‌ی مردم است. (داد، ۱۳۸۵، ذیل ترانه)

«توفیق زیّاد» ضمن نقد آثار شعری برخی شاعران، بر تبدیل هر کار هنری اصیل به سلاحی در راه مبارزه و هدایت توانمندی‌های فنی و فکری شاعر در مسیر خدمت به این انقلاب تأکید می‌کند. (زیّاد، ۱۹۷۰: ۱۱)

۱۳) او حفظ ادبیات عامیانه و عناصر فولکلوری را در درجه‌ی اول «وظیفه‌ی قومی و انسانی» می‌داند که در اصل بر دوش شاعران و نویسندگان و اهل قلم است. (همان: ۲۵) قصیده‌های عامیانه دارای مضامین وطنی و سیاسی، تشویق به وحدت، همیاری و آزادی می‌باشد که به طور کلی در میان مردم و به ویژه در شرایط سخت و بحرانی منتشر شده است. ضمن اینکه از مسائل عام و خاص عموم سخن می‌گوید و... سند عادات و سنت‌های مردمی و سرشار از معانی حکمت، نقد، پند، اندرز، مویه، توسل و دعا می‌باشد». (عطوات، ۱۹۹۸ م: ۱۵۰) بدین سبب شاعر بخش‌هایی از آن را به صورت بینامتنی وارد شعر خود می‌کند.

"محمد عطوات" به طور کلی به کار بردن عناصر فرهنگ و ادبیات عامیانه را در شعر شاعران مقاومت چنین خلاصه می‌کند: «در این قصاید، الفاظ مبتذل و کوچه‌بازاری هم دیده می‌شود اما الفاظ و تعبیرهای عامیانه رایج، هرگاه به خوبی به کار برده شوند، دید خاصی نسبت به آن وجود دارد. بیشتر این الفاظ ریشه در زبان عربی دارند [عربی اصیل هستند] بدیهی است که هدف از به کار بستن آن‌ها، تثبیت ریشه‌های خویش در وطن، در برابر دشمن ظالمی که هدفش برکندن ریشه‌ی فلسطینیان از وطنشان است. از سوی دیگر زبان مردم و الفاظ رایج آن دومین سلاحی است که چونان [تیری] بر جان‌ها می‌نشیند. افزون بر اینکه جنبه‌های زیبایی هنر سخنوری و سلاح کلام می‌افزاید... که این امر در شعر توفیق و قاسم و لیلی علوش (۱۹۵۵) قابل لمس است. از سوی دیگر آنان راه سهولت و آسانی و وضوح الفاظ و اسالیب را در پیش گرفته‌اند بدون خروج از زبان مأنوس و معمول تا با آن [به راحتی] بتواند با طبقات توده مردم سخن گویند و اهداف مورد نظرشان را محقق سازند. (عطوات، ۱۹۹۸: ۶۱۸)

مهم‌ترین و بارزترین ویژگی ترانه‌های محلی، تکرار^{۱۱} یک عبارت یا بخشی از آن است. این تکرار می‌تواند برای تاکید مطلب و یا به منظور ایجاد موسیقی و ریتم در شعر باشد. توفیق علاوه بر جمع‌آوری و ثبت و ضبط ترانه‌هایی که به زبان عامیانه رایج هستند، به صورت فصیح و رسمی، به منظور حفظ و انتقال آن، گاه از موسیقی و اسلوب این ترانه‌ها در اشعارش بهره‌مند شده است که در زیر به نمونه‌ای از این قصاید اشاره می‌شود که در این قصیده (شباکی و أنا) عبارت، «مَاذَا تَقُولُ الرِّيحُ/ يَا شُبَاكِي المَفْتُوح» هفت بار تکرار شده است:

«مَاذَا تَقُولُ الرِّيحُ
يَا شُبَاكِي المَفْتُوح
عَنْ وَطَنِي الَّذِي
تَرَكْتُهُ مَفْتُوحَ الجُرُوح؟

^{۱۱} در ترانه‌های عامیانه، اغلب یک عبارت یا یک قطعه تکرار می‌شود؛ بدین ترتیب که چند بیتی را یک نفر می‌خواند و بقیه افراد حاضر عبارت مشخصی را تا پایان ترانه تکرار می‌کنند، این بخش تکراری را «لازمه» می‌گویند. (البرغوثی، صص ۷۰-۶۹) عنصر تکرار در شعر، دائم تحت تأثیر ترانه‌های عامیانه موجود نیست؛ بلکه می‌تواند منشأ دیگری نیز داشته باشد، به طور مثال «رجاء عید» تکرار موجود در شعر «اسمه یحیی» را که سروده احمد دحبور است، از نشانه‌های آشفتگی روحی و تنش روانی شاعر می‌داند. (عید، ۲۰۰۳، ص ۱۲۸) در شعر مذکور، عبارت «أین التفتیک من قبل یا سیدتی؟» ده بار تکرار شده است.